

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ۱۲ شماره ۳۸ بهار و تابستان ۱۳۹۹ (صص ۲۸-۹)

عبدالماجد دریابادی و ویژگی‌های تفسیر او

۲- مهرناز گلی

۱- محمد بزرگزاده

چکیده

عبدالماجد دریابادی از مفسران سنی مذهب قرن چهاردهم و تفسیر او معروف به تفسیر ماجدی از تفاسیر مهم در شبه‌قاره هند است. دریابادی در قرن نوزدهم میلادی، زمانی که قرآن با شبهاتی جدید روبرو گردید به دفاع و شبهه زدایی از قرآن پرداخت. از این رو، تفسیری جدید مطابق با نیاز جامعه بشری در عصر خود به دو زبان اردو و انگلیسی، ارائه داد. درون‌مایه بارزش این تفسیر، تحقیق و معرفی این اثر ارزشمند را بایسته می‌سازد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمن معرفی نویسنده و تبیین جایگاه و اهمیت این تفسیر، به ذکر پاره‌ای از ویژگی‌های آن پرداخته و چنین نتیجه می‌گیرد که تفسیر ماجدی از مهم‌ترین تفاسیر قرن ۱۴ است که پاسخ به شبهات عصر، دوری از تفسیر به رأی، مطالعه تطبیقی قرآن با کتب پیشین، پاسخ مستدل به شبهات یهود و نصاری، برخورداری از نثری روان و روشن و... از برجسته‌ترین ویژگی‌های این تفسیر است.

کلیدواژه‌ها: عبدالماجد دریابادی، تفسیر ماجدی، تفاسیر شبه‌قاره، تفاسیر عصری.

۱- مقدمه

قرآن بزرگ‌ترین سند اثبات رسالت پیامبر خدا (ص) (نعمانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱) و اصلی‌ترین منبع معارف و احکام مسلمانان است که از هنگام نزول مورد توجه دوست و دشمن قرار داشته است. از آغاز نزول، همواره شبهه افکنانی بوده‌اند که این کلام را خوش نداشتند و برای منصرف کردن مردم

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول). Email: goli_m@theo.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱

از آن نقشه ریختند. (بهجت پور، ۱۳۹۳) آن را اساطیر الاولین نامیدند. (انعام، ۲۵؛ انفال، ۳۱؛ فرقان، ۵) مردم را از گوش دادن به آن باز می‌داشتند. (فصلت: ۲۶)

قرآن خود را پایان‌بخش روند نزول وحی و حامل شریعتی کامل که مهر نسخ بر ادیان پیشین زده، معرفی می‌نمود که این مطلب موجب واکنش منفی و خصمانه یهود و نصارا که تا آن زمان دین خود را شریعت یگانه و کامل خداوند می‌پنداشتند، گردید. ازین‌رو، اینان برای اثبات حقانیت خویش و تردید در اصالت قرآن دست به ایجاد شبهاتی می‌زدند که قرآن به بسیاری به صورت مجادله پاسخ داده است. «وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (نحل: ۱۰۳) پس از عصر رسالت و وظیفه دفاع و شبهه‌زدایی از حریم مقدس قرآن، بر دوش قرآن‌باوران و پژوهش‌گران قرآنی نهاده شد؛ و به فراخور هر دور عالمان قرآن‌پژوه به پاسخگویی آن پرداختند. از این افراد می‌توان به سرآمدان علم بلاغت، چون باقلانی، رمانی، زمخشری و بیضاوی و عالمانی فیلسوف و عقل‌گرا مثل فخر رازی اشاره کرد.

۱-۱- بیان مساله و سؤالات تحقیق

از آغاز قرن هفده، با رشد تجربه‌گرایی از اهمیت مباحث عقلی محض کاسته شد و با آغاز قرن بیستم بسیاری از داشته‌های علمی که قرن‌ها جزو مسلمات بود، تبدیل به افسانه شد. تحقیقات میدانی، باستان‌شناسی و حفاری‌ها در سطح گسترده‌ای به بازنویسی حافظه تاریخی ملت‌ها می‌پرداختند. دین اسلام و قرآن نیز از آماج این نقدها مصون نبودند. مخالفان دین اسلام با توسل به اطلاعات جدید به نقد داده‌های تاریخی، جغرافیایی و علمی قرآن پرداخته و اصالت آن را زیر سؤال می‌بردند. شبهات جدید که مسلح به ابزار علم نوین بود در ظاهر چنان پر قدرت می‌نمود که حتی باور گروهی از اندیشمندان مسلمان را به الهی بودن قرآن متزلزل نمود. به عنوان نمونه می‌توان در شبهه قاره به فضل‌الرحمن ملک، عنایت‌الله مشرقی و میرزا پرویز؛ و در کشورهای عربی به محمد ارکون، ابوزید و حسن حنفی؛ و در ایران به فراست‌خواه، شبستری و اخیراً سروش اشاره کرد. در مقابل پژوهشگرانی که یافته‌های جدید را ناقض قرآن تلقی نمی‌نمودند، اقدام به ارائه پاسخ‌های علمی و مناسب به شبهات جدید کردند. افرادی چون جوهری طنطاوی، بلاغی، معرفت

و ...

یکی از چهره‌های تأثیرگذار در این عرصه در حوزه ادبیات اردو و انگلیسی عبدالماجد دریابادی است که اقدام به نگارش تفسیر قرآن به دو زبان اردو و انگلیسی نمود. نوشتار حاضر با توجه به اهمیت این اقدام به بررسی زندگی و تفسیر اردوی وی یا همان تفسیر ماجدی با تمرکز بر پاسخ به سؤالات زیر پرداخته است:

۱- نویسنده تفسیر ماجدی از چه اندیشه‌هایی برخوردار است؟

۲- برجسته‌ترین ویژگی‌ها و امتیازات تفسیر ماجدی کدام است؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

در اهمیت و ضرورت این نوشتار باید گفت، درون‌مایه پراج علمی و ادبی تفسیر ماجدی و توجه به پاسخگویی به شبهات جدید، آشنایی با این اثر ارزشمند را جهت استفاده در پژوهش‌ها ضروری می‌نماید؛ اما حوزه پژوهش‌های قرآنی زبان فارسی با آن بیگانه بوده و پژوهشی درباره این تفسیر در آن صورت نگرفته است. لذا نوشتار حاضر با به‌کارگیری روش‌های تفسیر شناسانه، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی شخصیت و اندیشه‌های نویسنده و ویژگی‌های تفسیر وی پرداخته است. گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای، اسنادی (دیجیتالی) است؛ عمده مواد پژوهش برگرفته و برگردان مستقیم از آثار دریابادی است. به‌ویژه دو اثر وی تفسیر ماجدی و زندگی‌نامه‌اش موسوم به (آپ بیتی)؛ در کنار آن از دیگر منابع موجود نیز استفاده گردیده است.

۳-۱- پیشینه تحقیق

نظر به اهمیت تفسیر ماجدی و تفاوت‌های ویژه آن در میان تفاسیر جدید و قدیم و با عنایت به جایگاه علمی و ادبی دریابادی، از دوران حیاتش چندین نقد و نظر به زبان اردو درباره نویسنده و تفسیرش نوشته شد. دریابادی نیز سرگذشت خود را در کتابی به نام (آپ بیتی) شرح داد. بعد از دریابادی نیز جستارهایی در شرح حال وی به نگارش درآمد که برخی از این آثار به شرح زیر است:

۱- محمدتقی عثمانی در سال ۱۳۸۷ق. هنگام حیات نویسنده نقدی بر تفسیر ماجدی نوشت که در مجموعه نقد و نظرهای عثمانی به نام تبصره، در سال ۱۴۲۶ق. توسط مکتبه معارف القرآن تجدید چاپ شد.

۲- تحسین فراقی در سال (۱۹۸۵م.) پایان نامه دکتری خود را با عنوان (عبدالماجد دریابادی، احوال و آثار) در دانشگاه پنجاب دفاع کرد.

۳- عبدالله عباس ندوی نوشتاری به نام (خصوصیات تفسیر ماجدی) نوشت که توسط مجلس نشریات قرآن در سال ۱۴۱۸ق. در پایان جلد نخست تفسیر ماجدی پیوست و چاپ شد. پایان‌نامه تحسین تاکنون چاپ نشده است. کارهای دیگر، بیشتر جنبه عمومی دارد و گردآوری مطالب در آن به روش علمی انجام نگرفته است. همچنین هیچ‌یک از این آثار به زبان فارسی برگردان نشده است.

۲- معرفی مؤلف

۲-۱- خانواده

عبدالماجد دریابادی در سال ۱۳۱۰ق. موافق با ۱۸۹۲م. در دریاباد، یکی از بخش‌های شهر باره بنکی، (بخاری، ۲۰۰۲م: ۱۹۶) از ایالت اوتارپرادش شبه قاره هند، در خانواده‌ای متدین، علمی و فرهنگ دوست چشم به جهان گشود. خانواده وی از اعضای خاندان سرشناس قدوائی بود که سالیان بسیار مرجعیت قضاوت و داوری شرعی را بر عهده داشت. پدر بزرگ وی مفتی مظهر کریم در جهانپور سمت فتوا را عهده‌دار بود. پس از قیام ۱۸۵۷م. مسلمانان علیه بریتانیا به اتهام تحریک مردم به شورش و صدور فتوای جهاد بازداشت شده و به نه سال زندان محکوم شد. پدرش مولوی عبدالقادر مردی فاضل و آشنا به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و انگلیسی بود. وی با وجود مدرک وکالت هیچ‌گاه از آن بهره نبرد و آموزگاری زبان فارسی را بر آن ترجیح داد. مادر عبدالماجد دریابادی، بی‌بی نصیرالنساء زنی نیک‌نام بود که به نماز و عبادت، به‌ویژه تهجد اهتمام می‌ورزید و با وجود تنگدستی، سخاوتمند بود. (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۲۸، ۳۱، ۵۹، ۲۳۶، ۲۴۴)

۲-۲- تحصیلات

عبدالماجد، قرآن، مسائل نخستین دین، ریاضی، زبان انگلیسی، کتاب‌هایی از ادب و حکم فارسی چون پندنامه، گلزار دبستان، کیمیای سعادت و... را در محضر آموزگاران خصوصی در منزل فراگرفت. در سال ۱۹۰۱م. در یکی از مدارس انگلیسی شهر سیتاپور ثبت‌نام کرد و به سال ۱۹۰۸م. دیپلم گرفت. سپس در «کالج کینگ» لکهنو ثبت‌نام کرده (بخاری، ۲۰۰۲م: ۱۹۶) در سال ۱۹۱۲م. در رشته فلسفه مدرک لیسانس گرفت. برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد روان‌شناسی به دانشکده (سینت استیفنز) دهلی رفت؛ اما به جهت وفات پدر و برخی از مشکلات مالی تحصیل را

رها کرد. وی علاوه بر تسلط به زبان انگلیسی و عربی، در فلسفه و روانشناسی نیز پژوهش‌های عمیقی انجام داد. (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۸۳-۸۴، ۱۱۲، ۱۲۶، ۲۳۹)

۲-۳- استادان

از استادان بنام دریابادی می‌توان از شبلی نعمانی، ابوالکلام آزاد، سید سلیمان ندوی، شاه عبدالباری فرنگی محلی، شاعر معروف اکبر اله‌آبادی، مسعود علی ندوی و عبدالسلام ندوی نام برد. وی شبلی نعمانی را به‌عنوان استاد تألیف و نگارش خود می‌شناسد و می‌نویسد: فیض علمی و ادبی را در محضر ایشان [شبلی] آموختم. (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۳۸ و ۳۵۷-۳۵۸) از شخصیت‌های تأثیرگذار بر دریابادی از محمدعلی جوهر انقلابی مشهور و اشرف علی تهنوی می‌توان نام برد. (عثمانی، ۱۴۱۹ق: ۷۹)

۲-۴- آثار دریابادی

دریابادی از روزگار کودکی و نوجوانی با قلم آشنا بود. در سن دوازده‌سالگی قلم به دست گرفت و برای دفاع از تعالیم اسلام مطالبی نوشت که در روزنامه «اوده اخبار» منتشر شد. هنوز پانزده شانزده سال بیشتر نداشت که رساله‌ای مفصل در مورد زندگی‌نامه محمود غزنوی نگاشت (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۲۱۲) و با چاپ این رساله نام خود را در جریده‌ی مصنفین ثبت کرد؛ اما پس از پنجاه‌سالگی بیشترین گرایشش به قرآن و علوم قرآنی بود. به تألیف تفسیری به زبان انگلیسی و سپس اردو همت گمارده، زندگی‌اش را وقف این مهم کرد. (طارق، ۲۰۱۲م) افزون بر تفسیر قرآن، کتاب‌های بسیاری در درباره‌ی موضوعات قرآنی به زبان‌های انگلیسی و اردو تصنیف کرد که برخی به شرح زیر است:

- ۱- الحيوانات فی القرآن (از اسماء حیوانات در قرآن چون جمل، بقره، فیل و غیره و افعال و صفات آن‌ها، یک فرهنگ جامع به ترتیب حروف تهجی ترتیب داده است).
- ۲- ارض القرآن، یا جغرافیای قرآنی: شامل مکان‌های جغرافیایی مذکور در قرآن امثال ملک، شهر، کوه، دریا و غیره است، مانند مصر، طور، سینا، کنعان و غیره.
- ۳- اعلام القرآن یا شخصیت‌های قرآنی: درباره‌ی تمام گونه‌های اعلام قرآنی تحت ۱۵۸ عنوان جن، انس و ملائکه، مانند آدم، آزر، فرعون و غیره.
- ۴- سیره نبوی قرآنی، در این اثر سیرت رسول الله را صرفاً از قرآن اخذ کرده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۷۸۷/۱-۵)
- مشکلات القرآن: مطالعه قرآن در قرن بیست میلادی ۶- مسائل القصص.

دیگر آثاری که از دریابادی تاکنون چاپ شده عبارتند از: ۷- بشریت انبیا علیهم السلام: درباره فضایل انبیا بسیار نوشته شده است اما دریابادی درباره بشر بودن انبیا به تألیف پرداخته است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۷۸۷/۱). ۸- حیاتی پس پرده مرگ، ۹- مبادی فلسفه، ۱۰- فلسفه اجتماع، ۱۱- فلسفه جذبات، ۱۲- حکیم الامت نقوش و تأثرات، ۱۳- آپ بیتی، بیوگرافی و خاطرات زندگی خود مؤلف، ۱۴- مسائل تصوف، ۱۵- تصوف اسلامی، ۱۶- شرح کتاب مناجات مقبول، ۱۷- ملفوظات محمد جلال الدین رومی، ۱۸- داستان میرزا رسوا، ۱۹- یک شاگرد فرنگی غالب، ۲۰- یک شاعر بدنام اردو سرا، ۲۱- پیام اکبر، ۲۲- سیمای مردان، ۲۳- قصه های تمدن اسلامی، ۲۴- تاریخ تمدن، ۲۵- تاریخ اخلاق اروپا، ۲۶- سخنان راستین، ۲۷- خطبات ماجد، ۲۸- سفرنامه حجاز، ۲۹- سیاحت ماجدی (ندوی، ۱۹۸۰م: ۱۶۶، ۱۴۸).

آثار ماجدی از یک سو بر معلومات و آگاهی های پژوهشگران حوزه دین می افزاید و از طرفی دیگر بر اذهان طیف وسیعی از روشن فکران معاصر اثرگذار است. تجربه گران مادی را نیز رهنمون می شود (حسنی، ۱۹۹۵م: ۵).

۵-۲- فراز و نشیب فکری

یکی از حوادث تأسفانگیز و فاجعه آمیز قرنی که دریابادی در آن به سر می برد، یورش بی رحمانه تمدن غربی بر معیارهای مذهبی و اخلاقی بود (ندوی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۳). متأسفانه در این دوره با نگارش و پخش کتاب هایی که ظاهراً با دین پیوندی نداشت، مواردی از اخلاق اسلامی را که از پایه های پرارج تعالیم دین به شمار می رفت، نشانه گرفته بودند (الیاس، ۱۳۹۰: ۸۰). به عنوان نمونه کتاب (Element of Social Science) درباره اصول و آداب همزیستی نوشته شده است؛ اما به شیوه ای غیر منصفانه مواردی از اخلاق اسلامی مانند حیا و عفت را که از پایه های مهم تعالیم دین به شمار می رود، زیر سؤال برده و گرایش های جنسی را یک خواسته بهنجار تن وانمود کرده است.

دریابادی نیز از همان روزگار نوجوانی تا حدی به خواندن علاقه داشت که در مدرک تحصیلی وی قید شده بود: دانشجویی که از کتابخانه دانشگاه بیشترین استفاده را نموده است. همین عشق و علاقه مفرط به کتاب، باعث شد از مطالعه هیچ نوشتاری دریغ نرزد. بنابراین، مطالعه برخی از کتاب ها درونش را متزلزل کرد؛ و او را به سوی بی دینی سوق داد. چنان که با خواندن کتاب

(Element of Social Science) سخت متأثر گشت و درباره پایبندی‌های اخلاق دچار شک و تردید گردید (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۱۱۷).

برنامه‌های تخریبی غرب علیه اسلام در یک بعد خلاصه نمی‌شود، بلکه تمام ابعاد آیین مقدس اسلام اعم از قرآن، سیرت نبوی، رسالت پیامبر و ... را در برمی‌گیرد (الیاس، ۱۳۹۰: ۷۵). پس از مدتی، دایره‌المعارفی بزرگ به دست دریابادی رسید. هرچند موضوع این کتاب گزیده‌ای از بهترین متون ادبی جهان بود؛ اما روی یکی از صفحاتش تصویری وجود داشت که در زیرنویس آن آمده بود: (بانی اسلام، عکس از فلان نسخه خطی) که گویا عکس دارای بن‌مایه معتبری است. این نوجوان تحت تأثیر قرار گرفته، حتی به ذهنش نرسید که ممکن است این عکس و بن‌مایه آن دروغین و ساختگی باشد؛ بنابراین با دیدن آن عکس، تمام باور و ارادتی را که نسبت به صاحب رسالت، حضرت محمد (ص) داشت، از دست داد. رفته‌رفته نسبت به نماز سست و بی‌رغبت شد. تا جایی که از مسلمان بودن احساس عار می‌کرد (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۲۳۴-۲۳۸).

بنابراین علیه احکام و موضوعات دین مطلب نوشت و در مجله الناظر لکهنو به چاپ رساند. شعار وی این بود که دین و آیین‌های دینی چند روزی مهمان هستند و با رشد علوم تجربی، بساط امور دینی برچیده خواهد شد. با نگارش دو کتاب، به نام‌های (دی سائیکلوجی) و (فلسفه اجتماع) به پیامبران عظام الهی درازدستی کرد و به آنان نسبت‌های ناروایی داد. به باور وی آیین‌ها مجموعه‌ای از توهمات است که به علت سوء فهم بانیان آن، یعنی پیامبران، به وجود آمده است. با توجه به این‌گونه اظهارات دریابادی بود که گروهی حکم تکفیر وی را صادر کردند؛ اما برخی از فرهیختگان معتقد بودند که او دچار سوء تفاهم گشته است (طارق، ۲۰۱۲م).

نزدیک به ده سال در دوری از دین به سر برد؛ ولی در این مدت احساس آرامش نداشت. جهت رسیدن به آرامش بار دیگر در صدد جستجوی حقیقت برآمد. این بار به مطالعه جهان متافیزیک روی آورد، نزدیک دو سه سالی را در این زمینه به پژوهش فلسفه و موضوعاتی که رنگ و بوی دینی و مذهبی داشتند، پرداخت که در پرتو آن، روزنه تازه‌ای از جهان ماورای طبیعت به رویش گشوده شد. به این حقیقت پی برد که عالم روح و معنویت، آن‌گونه که فلسفه مادی غرب باورمند است، بی‌پایه نیست، بلکه حقیقتی انکارناپذیر است و ماورای این جهان مادی، عالمی دیگر، برتر و بزرگ‌تر وجود دارد و نظر قطعی و تفسیر نهایی از آن تجربه‌گرایان نیست (دریابادی، ۱۹۹۶م: ۲۴۵-۲۴۷)

ماجدی در این مرحله گام‌هایی هرچند کوتاه به سوی معنویت برداشته بود؛ اما برجسته‌ترین عاملی که در بازگشت وی به سوی معنویت نقش داشت، کتاب سیرت نبی شبلی نعمانی و کتاب‌های عرفان اسلامی مانند مثنوی مولانا رومی و مکتوبات مجدد الف ثانی بود. همان‌سان که خواندن یک کتاب و دیدن یک تصویر جعلی مایه لغزش و ایجاد شک در دریابادی شده بود، خواندن سیرت نبی نعمانی که در آن چهره واقعی پیامبر را به تصویر کشیده بود، مایه سرسپردگی و علاقه‌مند شدن وی به پیامبر اکرم گردید. با مطالعه کتاب سیرت النبیه چهره راستین و شمایل حقیقی آن سرور جلوی دیدگانش مجسم شد. با دیدن آن اوصاف کریمانه و سیمای درخشان، خود را در برابر انسانی ارجمند، وارسته، مهربان، باعظمت و دوست‌داشتنی یافت که قلب و عقلش راهی جز تسلیم شدن در مقابل وی نمی‌دید. پس از این جریان در به روی همه کس بست، در خلوت و تنهایی به مطالعه مثنوی معنوی و مکتوبات مجدد الف ثانی مشغول شد. در نتیجه غبار شک از روی مغزش برداشته شد و گره‌های الحاد یکی پس از دیگری از روی دلش بازگشت. گاهی با سکوت اشک می‌ریخت و گاهی فریاد می‌کشید. تا این‌که شبی برخاست، وضو گرفت و پس از ده سال دوری از نماز، دو رکعت نماز گذارد. جهت ادای نماز صبح به مسجد رفت. از آن‌پس، جهت پیرایش درون به حلقه تربیتی اشرف علی تهنوی پیوست (دریابادی، ۱۹۹۶: ۲۵۴-۲۶۰، ۲۷۲) و زندگی علمی نوینی را از سر گرفت و در رد انحرافات فکری و فرهنگی، کتاب‌های علمی و ادبی پرارچی تألیف کرد. سرانجام، در سن ۸۶ سالگی در ژانویه ۱۹۷۸م. درگذشت. (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش: ۷۸۷/۱)

۶-۲- دریابادی از نگاه علمای هم‌عصر

دریابادی ادیبی توانمند و دارای سبک، روزنامه‌نگاری بنام، نویسنده، فیلسوف و مفسری بزرگ بود (ندوی، ۱۹۸۰: ۱۴۴؛ عثمانی، ۱۴۱۹: ۷۹).

محمدتقی عثمانی می‌نویسد: عبدالماجد دریابادی مستقل از گروه‌های فکری مختلف، سال‌ها در خدمت علم و ادب مشغول بود (۱۴۲۶ق: ۱۷۷) و هفته‌نامه‌ای به نام سیج (صدق) به راه انداخت (ندوی، ۱۹۸۰م: ۱۴۳) چون در تحقیقاتش هرگاه به نظری خاص دست می‌یافت در اظهار آن به خود تردید راه نمی‌داد (عثمانی، ۱۴۱۹: ۸۰).

محمد رابع ندوی می‌نویسد: روزگاری دانشجوی فلسفه بود، در علم اخلاق و مسائل اجتماعی نیز در حد گسترده به مطالعه پرداخت. تا جایی رسید که علوم فلسفی، تئوری‌های اخلاقی و نظریات

محققان مسائل اجتماعی را به چالش کشید. بسیاری از آرا و دیدگاه‌ها را نقد علمی کرد. کاستی‌ها و سستی‌های برخی اصول فلسفی، اخلاقی و اجتماعی خداوندان این علوم را آشکار نمود؛ بنابراین از مخالفت احدی هرچند در این مباحث سرآمد باشد، باک نداشت (حسنی، ۱۹۹۵م: ۵).

سید محمد یوسف بنوری اظهار می‌دارد: مولانا دریابادی فردی اندیشمند، انسانی آگاه و برخوردار از فکری فلسفی بود. به گمانم از شصت سال پایان زندگی‌اش یک‌دم هم بیهوده تلف نشد و پس از حکیم الامت، تهانوی نخستین شخصیتی بود که با دقت تمام به کارهای علمی و پژوهشی می‌پرداخت. شیوه نگارش وی به زبان اردو خود دارای سبکی خاص بود و بدین جهت در رده نویسندگان بنام هند جای دارد (بخاری، ۲۰۰۲م: ۱۹۷-۱۹۸).

نویسنده بزرگ و صاحب سبک ابوالحسن علی ندوی، سبک نگارش و ذوق ادبی دریابادی را در سطحی بلند، منحصربه‌فرد، گیرا و روان ارزیابی می‌کند. وی دریابادی را بانی و خاتم سبک خویش برمی‌شمارد (ندوی، ۱۹۸۰م: ۱۵۲).

۳- معرفی تفسیر ماجدی

تفسیر ماجدی توسط عبدالماجد دریابادی در قرن چهارده هجری قمری در شبه قاره هند به رشته تحریر در آمد. وی کار خود را در روز دوشنبه، ۱۸ ماه رجب ۱۳۶۳ق، ۲۰ ژوئیه سال ۱۹۴۴م. به فرجام رساند. آن زمان عمر ایشان ۵۱ سال بود. در ۱۰ جمادی‌الاولی ۱۳۶۷ق. از بازنگری ثانی فراغت یافت. این تفسیر نخستین بار در اوت ۱۹۵۲م. در ۱۲۱۶ صفحه توسط کمپانی تاج در کراچی به چاپ رسید (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۷۸۶/۱-۷۸۷).

۳-۱- شیوه عمومی دریابادی در تفسیر

علت نام‌گذاری برخی از سوره‌ها را بیان می‌دارد. به‌عنوان نمونه درباره نام سوره فاتحه می‌نویسد: فاتحه یعنی سرآغاز، این سوره نیز چون در ابتدای کتاب الله آمده است و همچون دیباچه‌ای می‌ماند که در آغاز کتاب‌ها ذکر می‌شود، بدان فاتحه گفته‌اند (دریابادی، ۱۴۱۸ق: ۳۱/۱). درباره سوره بقره نوشته است: این سوره چندین نام دارد. معروف‌ترین آن بقره، به معنای گاو است؛ و این اشاره به جریان معروفی است که در این سوره ذکر شده است. در میان بنی اسرائیل زمان حضرت موسی، قتلی رخ داد. جهت شناسایی قاتل، خداوند به آنان دستور داد گاوی ذبح کنند؛ اما به خاطر

لججازی‌هایشان شرایط را بر خود بسیار سخت کردند. این سوره نیز با نام بقره، به لججازی‌های بنی‌اسرائیل اشاره دارد (همان، ۴۵/۱).

به مکی یا مدنی بودن برخی سوره‌ها و آیات اشاره نموده است. چنان چه سوره بقره، آل‌عمران، نساء و... را مدنی شمرده است (همان، ۳۲/۱، ۵۳۳، ۶۸۵).

در برخی آیات به تعیین مصداق می‌پردازد. در آیه ۱۰۵ سوره بقره (أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ) مصداق (كُمْ) را امت اسلامی دانسته، در توضیح آن می‌نویسد: غیر مسلمانان از هر طبقه‌ای هم که باشد، نمی‌تواند هواخواهی راستین و وفادار، برای مسلمانان باشد. دشمنی با اهل اسلام ویژگی کفار است. (همان، ۲۱۳/۱) (فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَتْبَاءُ) مراد از انباء، خواری و شکست روز بدر است. (همان، ۸/۲)

تفاسیر صوفیانه را دنبال می‌کند (علی‌الخصوص نکته‌های تربیتی و سلوکی پیشوایش تهانوی را در بسیاری از آیات ذکر می‌کند). در تفسیر الرحمن الرحیم از روح المعانی نقل کرده است: در مذاق صوفیانه این‌گونه تفسیر شده است: رحمانیت آن تربیتی است که بالواسطه و با اسباب باشد؛ اما رحیمیت تربیت مستقیم و بلا واسطه است (همان، ۳۵/۱).

در تفسیر به دو مساله اهمیت خاص می‌داد ۱- آنچه را عموم مفسرین در تشریح الفاظ و معانی قرآن گفته اند از نظر دور نداشته باشد و بر خلاف آن چیزی ننویسد. ۲- آن بخش از موادی را که طی پژوهش‌های گسترده به زبان‌های عربی، اردو و انگلیسی انجام شده بود و به تبیین گزاره‌های تاریخی و موقعیت‌های جغرافیایی قرآن می‌پرداخت، در تفسیر آیات مربوطه کاملاً مورد استفاده قرار دهد (حسنی، ۱۹۹۵م: ۵).

۲-۳- ویژگی‌های تفسیر ماجدی

گرچه مفسران زیادی در گذشته و حال داریم؛ اما در میان آثار آنان، تفاسیر معدودی، درخور توجه هستند از آن جمله، «تفسیر ماجدی» نوشته دریاپادی است.

محمدتقی عثمانی اظهار می‌دارد: تفسیرهای بی‌شماری به زبان‌های مختلف نگاشته شده است؛ اما تا حال، کسی این ادعا را نداشته و نمی‌تواند داشته باشد که توانسته است حق تفسیر قرآن را به‌جا آورد. البته هر تفسیر ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر تفاسیر متمایز می‌گرداند. (۱۴۲۶: ۱۷۷).

ابوالحسن می‌نویسد: تفسیر ماجدی به دلیل وجود برخی خصوصیات و ویژگی‌ها در میان همه تفاسیر، منفرد و یگانه است. ایشان برای تألیف این تفسیر تلاش کردند پژوهش‌های جدید یا قدیمی که در شرق و غرب انجام گرفته و آیات قرآن را تأیید و یا تصدیق می‌کند، مطالعه کرده از مطالب آن در این تفسیر استفاده کند (ندوی، ۱۹۸۰م: ۱۴۹). در مورد قصص قرآنی، امکان جغرافیایی، اشخاص، اقوام، ادیان و ... به اندازه‌ای مواد فراهم آورده است که در هیچ منبعی یک جا یافت نمی‌شود؛ بنابراین مولانا دریابادی با این خدمت عظیم بر کلیه قرآن‌پژوهانی که به زبان‌های غربی آشنایی ندارند و نمی‌توانند مستقیماً از منابع آن‌ها بهره ببرند یا منابع در دست رس آن‌ها قرار ندارد و یا وقتش را ندارند، متی بزرگ نهاده است (همان، ۱۴۱۸: ۲-۳؛ ۱۳۸۰ق: ۴۸). ندوی می‌افزاید: باری به هنگام تدریس سوره بقره در فهم و تفسیر آیه (وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا) با مشکل مواجه شدم، بنابراین جهت استفاده از محضر مولانا دریابادی برای دریافت تفسیر صحیح آیه، به دریاباد سفر کردم (۱۹۸۰م: ۱۵۰).

عبدالله عباس ندوی می‌نویسد: مفسر دریابادی به مقایسه قرآن با تورات و انجیل پرداخته است. هرچند تلاش‌هایی پیش از وی نیز صورت پذیرفته بود اما تفاوت کارهای انجام‌شده با تفسیر ماجدی در آن است که کاوش‌های قبلی به صورت دفاع از قرآن بود و به مواردی منحصر می‌شد که از سوی غربیان پیرامون آن شبهاتی مطرح گردیده بود؛ اما تفسیر ماجدی در طی این مقایسه جنبه تهاجمی دارد و از تحریفات و اضافات تورات و انجیل پرده برداشته است. درباره ذات و صفات الهی، بیانات خلاف واقعیت موجود در تورات و انجیل را رونما ساخته است (۱۴۱۸ق: ۱/۱۰۰۷). در ترجمه مطالب در کلام وی فصاحت، متانت، ادبیت و علمیت دیده می‌شود و نوشته‌های او در نهایت تناسب، نظم و ترتیب و سلیقه مرتب شده است به طوری که برای مشکل‌پسندترین ناقدان هم دشوار است که با تلاش، چیزی دال بر جهل و لغزش در آن پیدا کنند (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۷۸۶/۱) او به نیکی توانسته برتری نظام اجتماعی اسلام را بر مبنای تجربه بشری و مطالعات انسان‌شناختی نشان دهد (علیزاده، جهانجویان، ۱۳۹۳: ۱۲۵). پاره‌ای از ویژگی‌های این تفسیر، به شرح زیر است:

۱-۲-۳- پاسخ به شبهات

خصوصیت برجسته تفسیر ماجدی شبهه زدایی از آیاتی است که عده‌ای از شبهه افکنان غربی و برخی روشنفکران مسلمان به نوعی در مورد آن تردید دارند. برتری‌اش در آن است که خود

نویسنده بر اثر شبهات، چندی گرفتار الحاد و بی‌دینی بوده است و پس از سفری دراز به دامن قرآن بازگشته است (عثمانی، ۱۴۱۹ق: ۷۹).

شیوه عمومی پاسخ‌گویی به شبهات

عموماً نویسندگان برای دفع اعتراض دو شیوه دارند: یکی اینکه اعتراض یا شبهه تبیین گردد، سپس جواب آن داده شود. دیگری آن که سخن به گونه‌ای ایراد شود که جایی برای شبهه و اعتراض باقی نماند. دربابادی بیشتر شیوه دوم را برگزیده است. لذا آیات را بیشتر طوری تفسیر می‌کند که شبهه‌ای در ذهن پیدا نشود.

به عنوان نمونه: در ذیل آیه (حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ) (بقره، ۷) این اشکال به ذهن خطور می‌کند که چون بر دل‌های کفار مهر زده شده است نمی‌توانند ایمان بیاورند. لذا کفار در ایمان نیاوردن مقصر نیستند! دربابادی نوشته است: «مهری که از جانب الله بر قلب زده می‌شود، پس از آن است که فرد کفر را اختیار می‌کند، نه قبل از آن؛ یعنی نتیجه اختیار کفر، مهر خوردن است نه این که اختیار کفر، به سبب مهر است. در جایی دیگر قرآن واضح و روشن گفته است: (بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ)» (دربابادی، ۱۴۱۸: ۵۷/۱)

در برخی از آیات شیوه اول را اختیار کرده است. اشاره‌ای به شبهه می‌کند و به دنبال آن جواب می‌دهد. چنان که در تفسیر آیه (وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ) می‌نویسد: این آیه موهم مکان‌مند بودن خدا است. گویی خداوند در جهتی قرار دارد که مردم را بدان سو می‌برند؛ اما هدف از (إِلَىٰ رَبِّهِمْ) این نیست که خداوند در سمت و سوی قائم است و خلاق را بدان سو گرد می‌آورند بلکه هدف صرفاً جایی است که پروردگار عالم برای اجتماع و حل و فصل برنهادده است. (همان، ۳۶/۲)

۲-۲-۳- عصری بودن

تفسیر عصری شیوه‌ای نو در ارائه مباحث جهان‌بینی و اعتقادی است که مفسر با توجه به آگاهی‌هایی که کسب کرده و نیازهایی که در عصر خود درک می‌کند پیام قرآن را شرح می‌دهد. (ایازی، ۱۳۷۸: ۳۰) به تعبیر دیگر تفسیر عصری تجدید تراث است نه دگرگون کردن نص (حنفی، بی‌تا: ۱۱). دربابادی دانش روز و تحقیقات جدید را در خدمت قرآن در آورده است. او تحت تأثیر ادعاهای پوچ، شعارهای بی‌اساس و علمی‌نمای غربیان قرار نگرفت، بلکه بسیاری از جریانات

تاریخی و حوادث جغرافیایی را به صورت علمی مورد بررسی قرار داده، بر دانش علمی و واقعی ما افزوده است (ندوی، ۱۹۸۰م: ۱۴۹).

۳-۲-۳- استفاده علوم در تفسیر قرآن

استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن یعنی علوم تجربی قطعی، به‌عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن به کار گرفته شوند و در این راستا تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۷۴). در قرن نوزده علم تاریخ و جغرافیا به اوج رسید. تحقیقات باستان‌شناسی و حفاری‌ها بر تارک تمام پژوهش‌ها قرار داشت. از این‌رو نویسنده تلاش کرده است با استفاده از اسناد تاریخی و تحقیقات باستان‌شناسی تفسیری جدید ارائه دهد (ندوی، ۱۹۸۰م: ۱۴۹).

استفاده از تحقیقات باستان‌شناسی

باستان‌شناسی یعنی دانش شناخت فرهنگ‌های ادوار گذشته انسان، بر اساس مطالعه اشیا و آثار دیرین و جز آن (میرسلیم و دیگران، ۱۳۷۵: ۴۹۰/۱). وظیفه باستان‌شناس، دستیابی به مدارک نخستین است برای استفاده باستان‌شناسان دیگر، مورخان و تمامی کسانی که علاقه‌مند به شناخت گذشته هستند (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷: ۱۱/۱۶۷). دریابادی نیز در پاسخ به بسیاری از شبهات از دست‌آوردهای دانش باستان‌شناسی (Archaeology and Excavation) بهره برده است (ندوی، ۱۳۸۰: ۴۸). چنان چه در تفسیر آیه (فَأَنْفَجَرْتُمْ مِّنْهُ اثْنًا عَشْرَ عَيْنًا) نوشته است: عده‌ای از نادانان مسیحی بر تعداد چشمه‌ها اعتراض کردند که این تعداد در کتاب مقدس وجود ندارد. قرآن این را از کجا در آورده است؟ دریابادی می‌نویسد: پاسخ آن را خود مسیحیان داده‌اند. جرج سیل قدیمی‌ترین مترجم انگلیسی قرآن در حاشیه این آیه نوشته است: «سیاحی مسیحی که از بازدید این منطقه بر گشته بود تعریف کرد: از دوازده محل صخره سنگ آب بیرون می‌آمد» یک گردشگر مسیحی دیگر نیز مشاهدات خود را این‌گونه بیان کرده است: «در حال حاضر بیست و چهار سوراخ وجود دارد که به‌آسانی قابل شمارش‌اند. دوازده‌تا در یک سو و در مقابل آن دوازده تای دیگر». کشیش مسیحی دین استنلی (Dean Stanley) جهت تحقیق جغرافیایی مکان‌هایی که در انجیل ذکر شده است راهی فلسطین می‌شود و از آن مکان‌ها شخصاً دیدن می‌کند. سپس پژوهش‌ها و دیده‌های خود را در کتابی به نام (Siena and Palestine) منتشر می‌کند. چنان که درباره همین

صخره‌سنگ نوشته است: «بلندای این صخره بین ده تا پانزده فوت و از قسمت جلو کمی خمیده است. در چندین جا به صورت درازا دارای شکاف است. بعضی بزرگ و بعضی دیگر کوچک‌اند؛ و برخی از شکاف‌ها محو شده‌اند که از نظر تعداد ده بیست شکاف می‌باشند.» برای نخستین بار، این قرآن بود که به صورت قطعی برای دوازده قبیله بنی‌اسرائیل، دوازده چشمه را برشمرد که به همین شکاف‌ها اشاره دارد (همان، ۱۴۲/۱-۱۴۳).

استفاده از داده‌های آماری

قرآن درباره یهود می‌گوید: (وَضْرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَ وَالْمَسْكَنَةَ) (بقره؛ ۶۱) [مهر] ذلت و خواری، فقر و تنگدستی بر آن‌ها خورده است. شبهه‌ای که بر این آیه وارد می‌شود این است که گروهی به‌عنوان تهی‌دستان و بی‌نوایان معرفی شده‌اند که ثروت‌های کلان را در اختیار دارند و سرمایه‌های هنگفت آن‌ها شهرت جهانی دارد. چگونه می‌توان این‌ها را تهیدست و تنگدست دانست؟ دریابادی در پاسخ به این شبهه می‌نویسد: بر پایه داده‌های دایره المعارف قوم یهود (Jewish Encyclopedia) که به دست محققین یهودی نوشته شده است، سرمایه‌داری یهود آوازه دروغین یافته است؛ زیرا دارایی‌های کلان و پرآوازه یهود به سران و شخصیت‌های مشهور یهود محدود است؛ اما قوم یهود و توده مردم یهودی طبق آمار و ارقام همه محققان، جزو تهیدست‌ترین اقوام جهان به شمار می‌آیند. یهودیانی که در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند نیز جزو فقیرترین افراد و اقوام آن کشور به حساب می‌آیند. هر کشوری که یهودیان بیشتری داشته باشد آمار فقیرانش نسبت به دیگر کشورها بیشتر است (۱۴۱۸ق: ۱۴۶/۱).

استفاده از اسناد تاریخی

یکی از منابع تاریخی که شاید تا حدودی بکر و دست نخورده باقی مانده است و هنوز هم می‌توان به صورت یک منبع مستقل از آن استفاده نمود، اسناد تاریخی است. (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۱۳) دریابادی نیز با مراجعه به اسناد کهن به بسیاری از اعتراضات پاسخ گفته است. باورهایی را که قرآن به مسیحیان نسبت داده، مورد نکوهش قرار می‌دهد، برخی از آنان منکر شده‌اند، می‌گویند: این نسبت‌ها نادرست است، کسی از مسیحیان بدان باوردار نیست. به‌عنوان نمونه قرآن می‌گوید: وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ؛ و (نصارا) گفتند: خداوند فرزند گرفته است (بقره، ۱۱۶). در حالی که جهان مسیحیت چنین چیزی را نمی‌گوید.

دریابادی در پاسخ می‌نویسد: «با بررسی اسناد تاریخی معلوم می‌شود که در گذشته فرقه‌ای بزرگ به نام [Aboptionist] در مسیحیت وجود داشته است. عقیده بنیادین آن‌ها «تبیت یا اتخاذیت» [Aboptionism] بوده است. خلاصه عقایدشان این است که مسیح زائیده خدا نیست بلکه انسانی بود که «اقنوم اول» یعنی خداوند اعظم و برتر، او را فرزند متبنای خود قرار داده و شریک الوهیت خویش گردانیده است. اکنون او در تمام صفات الهی همانند الوهیت و مالکیت، شریک و سهیم است. مدارک دال بر این عقیده در تاریخ ۱۸۵ میلادی وجود دارد. در قرن هشتم پاپ دوم این عقیده را الحاد و زندقه دانست. در قرآن کریم صریحاً به این شاخه مسیحیت اشاره شده است» (۱۴۱۸ق: ۲۲۶/۱).

در بحث معجزات حضرت عیسی، قرآن می‌فرماید: او با گل چیزی مانند پرند ساخته در آن می‌دمید به فرمان خدا جان می‌گرفت و پرند می‌شد (أَخْلَقَ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفَخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ) (آل عمران؛ ۴۹). ایرادی که بسیاری از غیر مسلمانان بر این آیه گرفته‌اند، این است که در انجیل چهارگانه مورد استناد کلیسای کاتولیک و پروتستان ذکری از این معجزه نیست. ماجدی می‌نویسد: درست است که این معجزه در انجیل اربعه ذکر نشده است؛ اما در انجیل مورد استناد کلیسای قبط ذکر شده است. Budge در صفحه ۲۹ از مقدمه کتابش (Legends of Our Lady Mary) آن را نقل کرده است: «او حیواناتی به شکل پرندگان که می‌توانستند بپرند، می‌ساخت» (همان، ۱/ ۵۷۶).

۴-۲-۳- مطالعه تطبیقی بین قرآن و صحف سابق

یکی از امتیازات تفسیر ماجدی آن است که نویسنده آن به بررسی تطبیقی میان قرآن و صحف سابقه مخصوصاً تورات و انجیل پرداخته است. در طی این مقایسه محفوظ ماندن قرآن را اثبات کرده و از تحریفات و افزوده‌های تورات و انجیل پرده برداشته است. درباره ذات و صفات الهی، بیانات خلاف واقعیت موجود در تورات و انجیل را رونما ساخته است (ندوی ب، ۱۴۱۸، ۱/ ۱۰۷). در تفسیر آیه ۵۰ سوره انعام می‌نویسد: مسیحیت حضرت عیسی را هم‌پایه خدا می‌انگارند. در انجیل یوحنا این عبارات دیده می‌شود: پدر نسبت به پسر محبت دارد و همه چیز را به دست وی سپرده است. (۳/ ۳۵) من و پدر یکی هستیم. (۳۰/۱۰) هر آنچه مال پدر است مال من است. (۱۶/ ۱۵) ولی قرآن می‌گوید: قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْعُ

إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ. این آیه به پیامبر دستور می‌دهد تا به صراحت اعلام دارد که خود را همتای خدا و منزله از لوازم بشری نمی‌داند. او عبد و برده ایست که جز اتباع وحی و پذیرفتن فرمان مولایش، اختیاری ندارد. چه جایی که همتای مولای خود بوده، مختار کل باشد (دریابادی، ۱۴۱۸ق: ۳۵/۲) درباره لباس حضرت آدم و حوا می‌نویسد: قرآن به صراحت می‌گوید: (مَا وَوَرِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا) (اعراف؛ ۲۰) جسم آن دو پوششی از نور داشت و قسمت شرمگاه از نگاه خودشان نیز پنهان بود؛ اما در انجیل نوشته شده است: آدم و همسرش لخت و عریان بودند. شرمی هم نداشتند (دریابادی، ۱۴۱۸ق: ۱۴۳/۲).

ذیل مناجات حضرت آدم در آیه ۲۳ سوره اعراف نوشته است که حضرت آدم با وجود مقام نبوت چگونه خاشعانه به درگاه خدا زاری می‌کند و به کلیه فرزندان خویش آداب بندگی می‌آموزد؛ اما اثری از این مناجات در انجیل دیده نمی‌شود (همان، ۱۴۵/۲).

در آیه ۳۸ سوره ق خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ؛ ما آسمان‌ها و زمین و هرچه در میان آن‌هاست در شش روز آفریدیم؛ و ذره‌ای خستگی به ما دست نداد). این آیه نیز مایه شگفتی است که خداوندی که توانمند و عزیز است، قادر و قاهر است، چرا گفته است که بر اثر ساخت آسمان‌ها و زمین دچار خستگی نشده است؟! دریابادی می‌نویسد: این واژه زمانی ارزش پیدا می‌کند که کسی از این مطلب موجود در انجیل کنونی آگاهی یابد که خدا در ظرف شش روز زمین و آسمان را آفرید و روز هفتم به استراحت پرداخت؛ و در ترجمه انگلیسی آن، این الفاظ وجود دارد: (and he rested on seventh day from all his work which he had made) Gen. 2:2) با آگاهی از این مطالب انجیل، معنای درست آیه و هدف اصلی آن روشن می‌گردد.

قرآن درباره پیامبر خدا حضرت سلیمان می‌فرماید: (وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا) با خواندن این آیه یک فرد بی‌اطلاع تعجب می‌کند که چه نیازی بود، در مورد یک پیامبر بزرگ الهی گفته شود او کفر نورزیده است؛ اما هنگامی که انجیل موجود بررسی می‌گردد و به روایاتی که میان یهودیان درباره این پیامبر بزرگ مشهور است، مراجعه می‌گردد، ملاحظه می‌شود که صریحاً به این پیامبر تهمت شرک، وثنیت و سحر آموزی زده‌اند (دریابادی، ۱۹۸۴م: ۱۹). به‌عنوان نمونه در کتاب مقدس این عبارات به چشم می‌خورد:

«... همسرانش قلب او را از خداوند باز گرداندند. هنگامی که سلیمان پیر شد، ایشان او را به سوی ستایش خدایان بیگانه کشاندند. او به خداوند خدای خود مانند پدرش داوود وفادار نبود. سلیمان عشتورت، خدای صیدونیان و ملکوم خدای منفور عمونیان را ستایش می‌کرد» (سفر پادشاهان، باب ۱۱).

۵-۲-۳- نقل عبارات عربی

در صورت استفاده از منابع اسلامی، به هنگام مستندسازی نوشتار تنها به اسم کتاب یا نویسنده بسنده نکرده است، بلکه پس از استخراج و بیان نکته، عین عبارت عربی آن را نیز نقل کرده است تا خواننده بداند که این نکته را از کجا و چگونه استنباط کرده است و کار برای اهل تحقیق نیز آسان‌تر شود.

۶-۲-۳- دوری از تفسیر به رای

تفسیر به رای یعنی تفسیر قرآن بر خلاف موازین علم لغت و ادبیات عرب و فهم اهل زبان و تطبیق دادن آن بر پندارها و خیالات باطل و تمایلات شخصی و گروهی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۹) و «رأی به معنی عقیده ای است که ظنّ و گمان در آن غلبه دارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۰). ویژگی بسیار مهم تفسیر ماجدی دوری و گریز از تفسیر به رای است. با وجود مهارت کامل و تسلط تام بر زبان عربی هرگز خود را عقل کل ندانسته، بر خلاف سایر مفسران به راه تفرد نرفته است (ندوی، ۱۴۱۸: ۲-۳؛ حسنی، ۱۹۹۵م: ۵). از استناد های متعدد و بی‌شمار در سراسر تفسیر، می‌توان به وسعت مطالعه و مراجعه مؤلف پی برد. در مرجع یک ضمیر هم اگر کوچک‌ترین اختلافی میان مفسران وجود داشته، آن را مد نظر داشته است و این شیوه را در تمام تفسیر خود، به صورت یکسان رعایت نموده است (به عنوان نمونه ر.ک. دریابادی، ۱۲۱/۱، ۲۰۲ و ۲۵۰).

۴- نتیجه

یکی از تفاسیر ویژه و متفاوت، تفسیر ماجدی است که به دست عبدالماجد دریابادی در قرن چهارده هجری قمری در شبه قاره هند به رشته تحریر در آمد. عصری که در آن پژوهش‌های تجربی تمام ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و دینی را تحت تأثیر قرار داده بود. تکنولوژی نوین، ابزاری تازه برای تردید و انکار قرآن به دست می‌داد. به‌گونه‌ای که نه تنها غیر مسلمانان، بلکه بسیاری از اندیشمندان مسلمان نیز، باور به الهی بودن قرآن را از دست دادند. چنانکه اندیشه‌های دریابادی نیز

به گونه‌ای دستخوش تغییر قرار گرفت که از پذیرش بسیاری از حقایق دینی امتناع ورزید. به پیامبران الهی نسبت‌های ناروایی داد. ادیان را مجموعه‌ای از توهمات نامید که به علت سوء فهم بانیان آن (پیامبران) به وجود آمده است؛ اما درگذر از این مرحله، به این نتیجه رسید که حقایق دینی را نه تنها باید پذیرفت بلکه بالاتر از آن بایستی در درجه اوّل پذیرش نهاد. سپس در راستای دفاع و شبهه زدایی از حریم مقدس قرآن، احساس مسئولیت نمود و مطابق با نیاز جامعه در عصر خویش به دو زبان اردو و انگلیسی تفسیری جدید، ارائه داد.

ویژگی برجسته این تفسیر شبهه زدایی از آیاتی است که عده‌ای از شبهه افکنان غربی نسبت به آن اعتراض دارند و برخی روشنفکران مسلمان به نوعی درباره آن تردید دارند. از این رو نویسنده تلاش کرده است با استفاده از اسناد تاریخی، پژوهش‌های باستان‌شناختی و داده‌های آماری به شبهات و اعتراضات، پاسخ گوید. از ویژگی‌های نمایان تفسیر ماجدی آن است که نویسنده آن به بررسی تطبیقی میان قرآن و صحف سابقه مخصوصاً تورات و انجیل پرداخته است امر مهمی که تا زمان وی هیچ مفسری به آن نپرداخته است.

۵- منابع

۱- قرآن کریم

۲- کتاب مقدس

۳- الیاس، یحیی محمد، جنگ فکری، مترجم: عبیدالله براهوئی، مشهد: کتابدار توس، ۱۳۹۰.

۴- ایازی، سید محمد علی، قرآن و تفسیر عصری، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

۵- بخاری، سید محمد اکبر شاه، سوبری علماء (صدعالم بزرگ)، لاهور: نیشنل بک سروس، ۲۰۰۲ م.

۶- بهجت پور، عبد الکریم، خلاصه نقد شبهات پیرامون قرآن، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۳.

۷- حسنی، محمد رابع، باز نشر تفسیر ماجدی، لکهنو: مجلس تحقیقات و نشریات اسلام، ۱۹۹۵ م.

۸- حنفی، حسن، التراث و التجدید، قاهره: دارالفکر العربی، بی تا.

- ۹- خرمشاهی، بهاء الدین و دیگران، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: انتشارات دوستان، ۱۳۷۷ش.
- ۱۰- دریابادی، عبدالماجد، آپ بیتی، کراچی: شکیل پرنس، ۱۹۹۶م.
- ۱۱- _____ تفسیر ماجدی، کراچی: مجلس نشریات قرآن، ۱۴۱۸ق.
- ۱۲- _____ مطالعه قرآن بیسویں صدی مین، لاهور: هجره انترنیشنل پبلشرز، ۱۹۸۴م.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- ۱۴- رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، چاپ اول، قم: اسوه، ۱۳۷۵ش.
- ۱۵- طارق، تحریم، ارتقاء حیات: مولانا عبدالماجد دریابادی، ۲۰۱۲/۳۱/۳م. به نقل از پایگاه: (<https://tehreemtariq.wordpress.com>)
- ۱۶- عثمانی، محمد تقی، تبصره، ترتیب خالد محمد حنیف، کراچی: مکتبه معارف القرآن، ۱۴۲۶ق.
- ۱۷- _____ نقوش رفتگان، کراچی: اداره المعارف، ۱۴۱۹ق.
- ۱۸- علیزاده، علی، طاهره جهانجویان، مقاله مروری توصیفی - تحلیلی بر ترجمه‌های انگلیسی قرآن در شبه قاره، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۵۰.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، اعتقاد ما، قم: موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۸۷.
- ۲۰- موسوی بجنوردی، کاظم و همکاران، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۲۱- میرسلیم، سید مصطفی و همکاران، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۲۲- ندوی، ابوالحسن، اصول و مبادی فهم قرآن، ترجمه: محمد قاسم قاسمی، زاهدان: انتشارات ندوی، ۱۳۸۴.
- ۲۳- _____ پرانی چراغ، کراچی: مجلس نشریات اسلام، ۱۹۸۰م.
- ۲۴- _____ مقدمه تفسیر ماجدی، کراچی: مجلس نشریات قرآن، ۱۴۱۸ق.

- ۲۵- _____ پرانی چراغ، کراچی: مجلس نشریات اسلام، ۱۹۸۰م.
- ۲۶- _____ نبرد ایدئولوژیک یا ارزیابی تمدن غرب، مترجم: سید محمد ثقفی و علی اکبر مهدی پور، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق.
- ۲۷- ندوی ب، عبدالله عباس، خصوصیات تفسیر ماجدی، کراچی: مجلس نشریات قرآن، ۱۴۱۸.
- ۲۸- نعمانی، محمد منظور، قرآن با ما چه می گوید، مترجم: شبیراحمد صمدانی، زاهدان: انتشارات ندوی، ۱۳۹۲.
- ۲۹- نوذری، عزت اله، روش شناخت در تاریخ، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۵.